



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

معامله قرن یا معامله برای جلوگیری از صلح و عدالت

بیانیه نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

تاسیس «دولت اسرائیل» در کوتاه‌ترین زمان پس از جنگ دوم جهانی و ساعاتی پس از اعلام از پیش طراحی شده پایان حاکمیت استعماری بریتانیا بر سرزمین‌های فلسطینی، حاصل زد و بندهای سیاسی و تضادهای ساختاری بین‌المللی بود که در راستای تداوم حضور و سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی بر خاورمیانه، فرصت‌طلبانه از فضای جنگ سرد و ترویج کمونیسم‌هراسی [Red Phobia] در منطقه و آسیب‌های روانی و انسانی پدید آمده از کشتار گسترده یهودیان به وسیله دولت نژادپرست آلمان هیتلری بهره جست و سرانجام، با تمسک سردمداران صهیونیست به تاریخی التقاطی و برآمده از اجزایی از «واقعیت» و «اسطوره» و بی‌اعتنا به حق حاکمیت سرزمینی فلسطینیان و روح اعلامیه جهانی حقوق بشر و در پی گسترش فضای وحشت و تروریسم ناشی از کشتار دیرپاسین در آوریل ۱۹۴۸، در ۱۴ می همان سال، جغرافیای سیاسی تحمیلی و کشوری جعلی با عنوان «اسرائیل» تاسیس شد که تنها دربرگیرنده اقلیتی کوچک از ساکنان آن سرزمین بود.

«اسرائیل» با پشتیبانی گسترده و ناموجه دولت‌های اروپایی و آمریکایی و با رضایت و همکاری صریح سران حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و متأثر از توسعه‌ناپافتگی، تفرقه و انفعال حکومت‌ها در کشورهای مسلمان جهان ایجاد شد. دولت سرخ شوروی، به رغم شعارهای انسان‌دوستانه و ادعاهای بی‌پایه دفاع از خلق‌های ستمدیده جهان و مبارزه با بهره‌کشی، تبعیض و بنیان‌های «امپریالیسم جهانی» و «صهیونیسم بین‌الملل»، از جمله نخستین دولت‌هایی بود که تنها دو روز پس از اعلام تاسیس اسرائیل، موجودیت آن را به رسمیت شناخت.

وضعیت عصر جدید جهانی و رشد جنبش‌های اجتماعی ضد جنگ و ضد تبعیض نژادی در اروپا و آمریکا که ناشی از تجربه‌های عینی دو جنگ جهانی و محصول ناگزیر رواج فزاینده ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری در نیمه دوم قرن بیستم و نیز، انقلاب الکترونیک و گسترش امکانات رسانه‌های مستقل بود، سبب شد که تداوم حاکمیت نژادپرست، غیرانسانی و توسعه‌طلب اسرائیل که یورش نظامی به سرزمین‌های همسایه مانند مصر، سوریه، لبنان و اردن را تا چند دهه در دستور کارش داشت، افکار عمومی جهان، به ویژه آزادی‌خواهان آمریکا و اروپای غربی را به شدت نگران و دولت‌ها و نظام سیاست جهانی را به یافتن راهبردها و راهکارهای صلح‌آمیز وادار کند.

صدور دو قطعنامه مهم ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و امضای دو پیمان مهم «کمپ‌دیوید» و «اسلو» مبتنی بر ضرورت پایان دادن به اقدامات صلح‌ستیزانه اسرائیل و به رسمیت شناختن «فلسطین» بود. اگرچه این دو پیمان، کاستی‌های اساسی در زمینه حفظ انسجام سرزمینی و تامین حقوق بنیادین و حاکمیت ملت فلسطین داشت، شامل تعهداتی راهبردی به شرح زیر بود که می‌توانست در دراز مدت، منشاء خیر همگانی برای مردم جهان و ملت فلسطین باشد.

« به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی در دو منطقه جداافتاده از هم در کرانه باختری و نوار غزه، تضمین امنیت و سلامت ساکنان کشورهای منطقه، بازگشت به مرزهای شناخته شده پیش از عملیات نظامی سال ۱۹۶۷ و از جمله، عقب‌نشینی از بلندی‌های جولان و بازپس دادن صحرای سینا، توقف شهرک‌سازی‌های یهودی‌نشین و تخلیه شهرک‌های واقع در خاک فلسطین مستقل، استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در نوار مرزی سینا، بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین مادری، برخورداری مشترک فلسطینیان و اسرائیلی‌ها از «بیت‌المقدس» و متقابلاً، حق گذار آزاد کشتی‌های اسرائیلی از تنگه دریایی سوئز و به رسمیت شناختن دولت و کشور اسرائیل از سوی ملت فلسطین» از جمله تعهدات راهبردی این اسناد بین‌المللی به شمار می‌آیند.

بر اثر چند رویداد منطقه‌ای مانند اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ و ادامه گروگان‌گیری به مدت ۴۴۴ روز، اشغال کویت توسط ارتش بعث عراق، حضور سپاه پاسداران در فراسوی مرزهای ایران و شکل‌گیری سیاست خارجی ناشی از آن و ترویج شعارهای «صدور انقلاب» و «محو اسرائیل از روی کره زمین» جریان‌های سیاسی و اقتصادی نومحافظه‌کار در انگلستان و آمریکا تقویت شدند و جریان‌های راست‌گرای اسرائیلی به طراحی دکترین امنیت ملی محافظه‌کارانه‌ای پرداختند که بر پایه آن، پذیرش هرگونه صلح با فلسطینی‌ها در دراز مدت، منجر به تهدید بقای پایدار اسرائیل خواهد شد. در نتیجه، سال‌هاست که ناقضان و مانعان اصلی پیشبرد روند صلح، جریانات تندرو و افراطی اسرائیلی هستند.

با این همه، تحت تاثیر افکار عمومی مردم جهان، به ویژه مردم آمریکا و اروپا، حمایت‌های صوری و تشریفاتی از این پیمان‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت، همواره در طول سالیان گذشته ابراز شده است. اما

اقدامات دو سال اخیر دولت ترامپ در رسمیت دادن به اشغال بلندی‌های جولان، موافقت با اعلام بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسراییل و سرانجام، رونمایی از «معامله قرن» که مبتنی بر نادیده گرفتن عموم تعهدات یادشده دولت اسراییل است و مسخ فرآیند صلح و خنثی کردن تلاش‌های طولانی برای دستیابی به آرمان‌های انسان‌دوستانه ارزیابی می‌شود، تیر خلاصی به روند صلح خاورمیانه، پیمان‌های جهانی و الزامات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد زد.

در سال‌های اخیر، دولت ترامپ با خروج از «یونسکو»، «معاهده زیست‌محیطی پاریس» و مهم‌تر از همه، نقض و خروج یک‌جانبه و غیرمسئولانه از «برنامه جامع اقدام مشترک» موسوم به «برجام»، نشان داده است که علاقه و تعهدی نسبت به راه‌کارهای صلح‌آمیز جهانی ندارد و در صدد تحمیل ماجراجویی‌های نظامی و جنگ‌افروزانه است و در آخرین گام، با رونمایی و اعلام «طرح صلح ترامپ» در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۰ (۸ بهمن ۱۳۹۸) شرایط بسیار سخت و پیچیده‌تری را پیش روی ملت فلسطین و مردم خاورمیانه نهاده است.

«معامله قرن» به ابتکار دولت‌های راست‌گرای نتانیاهو و ترامپ و بدون دخالت و مشارکت طرف فلسطینی تهیه شده است و ادعا دارد که در برابر امتیازات بیشتری که به سود اسراییل می‌گیرد، جواز اعلام کشور و دولت مستقل فلسطینی را صادر خواهد کرد. در تهیه این طرح، ذینفع اصلی غایب بود و حقوق بنیادین و حق حاکمیت ملی یک کشور مستقل، انکار شد و بدین‌سان، ملت فلسطین در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته و مواجه با کشوری محصور از هر سو هستند که فاقد ارتش و حقوق دفاعی است، تسلطی بر مدیریت مرزهای خود ندارد و هر لحظه در معرض تهدید دوباره قرار دارد. از همین رو، طرح یاد شده، به جهت نادیده گرفتن ملاحظات انسانی، الزامات سیاسی و ضرورت‌های راهبردی فرآیند دستیابی به صلح پایدار و استقرار دموکراسی در منطقه، بلافاصله از سوی گروه‌های سیاسی موثر و به ویژه «دولت خودگردان فلسطین» مردود اعلام شد.

«معامله قرن» در حالی بر مردم ستم‌دیده فلسطین تحمیل شده است که آنان، بیش از هر زمان در گذشته، بدون پشتیبانی واقعی دولت‌های مدعی حقوق بشر و حتی حاکمان کشورهای مسلمان، در تنگنا قرار گرفته‌اند. این طرح یک‌سویه که بدون دریافت تایید و موافقت طرف فلسطینی، تدوین و رونمایی شده است، حکایت از توافقی‌های پشت پرده و هم‌گرایی دولت‌های راست‌گرای آمریکا، اسراییل و برخی دولت‌های عربی منطقه دارد. حضور و مشارکت شرم‌آور و تاسف‌انگیز دولت‌های امارات متحده عربی، اردن، بحرین و عمان و در مراسم رونمایی طرح «معامله قرن» دلالت بر عقب‌نشینی آشکار حکومت‌های عربی از «آرمان فلسطین» و ایجاد وحدتی راهبردی با دولت اسراییل دارد و موجب خیره‌سری روزافزون اسراییل، سرافکنندگی ملل مسلمان و عدالت‌خواهان جهان و تضعیف بیشتر حقوق و هویت ملت فلسطین خواهد شد.

نهضت آزادی ایران یادآوری می‌کند که «مساله فلسطین» نه تنها مساله‌ای هویتی و بحرانی عربی و اسلامی، بلکه بحرانی انسانی و فاجعه‌ای جهانی است و عملکرد دولت اشغال‌گر اسرائیل با پشتیبانی متحدانش، مصداق آشکارترین، طولانی‌ترین و فراگیرترین فرآیند «نقض حقوق انسانی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت» در هفت دهه اخیر و پس از جنگ دوم جهانی به شمار می‌رود و هشدار می‌دهد که تداوم اشغال‌گری دولت اسرائیل و نادیده گرفتن حقوق اساسی و حاکمیت ملت فلسطین بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، عامل اصلی تروریسم در خاورمیانه و در تعارض جدی با ثبات و صلح منطقه است.

نهضت آزادی ایران در سال‌های پس از اشغال فلسطین به وسیله صهیونیست‌ها، همواره از حقوق پایمال شده و طرح و پیگیری «آرمان انسانی فلسطین» دفاع کرده است و در راستای مبارزه برای آزادی، حقوق بشر، عدالت، تعالی اخلاقی و تقویت روحیه برادری و تقوا، حمایت از نهضت آزادی‌بخش ستمدیدگان فلسطینی را جزء برنامه‌ها و تعهداتش نهاده است و در تداوم سابقه مواضع و عملکرد سیاسی پیشگامان نهضت آزادی در پیش از انقلاب و حضور و همراهی شخصیت‌هایی مانند شهید چمران در خط مبارزه با دولت نژادپرست اسرائیل، زنده‌یاد دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت مهندس مهدی بازرگان و دبیرکل فقید نهضت آزادی ایران، نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان را به نام «روز قدس» پیشنهاد کرد تا ملت ایران که سابقه بیش از یک قرن قیام و مبارزه برای آزادی، حقوق انسانی و حاکمیت ملی را در کارنامه تاریخی و سیاسی خویش دارد، فریاد مشترک دادخواهی و اعتراض به ظلم بزرگ «اسرائیل» را طنین‌افکن کند و از کشورهای مسلمان و سایر آزادی‌خواهان و عدالت‌خواهان جهان برای اتحاد، یاری و حمایت از این ستمدیدگان قرن استمداد شود.

نهضت آزادی ایران ضمن محکومیت شدید طرح غیرعادلانه و غیرانسانی «معامله قرن» و یادآوری ضرورت وحدت دولت‌های اسلامی منطقه و فراخواندن افکار مردم جهان به حمایت از صلح، آزادی و امنیت در خاورمیانه، اعلام می‌کند که این طرح تحمیلی و دور از راهبردهای مشارکت بین‌المللی، مسخ فرایند صلح، نقض تلاش‌های طولانی برای دستیابی به آرمان‌های انسان‌دوستانه و زمینه‌ای اساسی برای رشد بنیادگرایی در منطقه ارزیابی می‌شود و فرصت زیست مسالمت‌آمیز و سازنده برای مردم خاورمیانه و جهان را برای مدتی غیرقابل پیش‌بینی به تاخیر می‌اندازد.

نهضت آزادی ایران ضرورت اتحاد راهبردی تمام گروه‌های سیاسی فلسطینی بر سر قبول یک راه‌حل واحد و احتراز از اختلاف نظر در این حوزه را یادآوری می‌کند و باور دارد که هر برنامه سیاسی نافعی حقوق اساسی ملت فلسطین، محتوم به شکست است و از این رو، در گام نخست، از مبارزات مدنی و مسالمت‌آمیز ملت فلسطین و سایر مردم جهان و بهره‌گیری از راه‌حل‌های سیاسی و اجتماعی و تداوم گفتگو تا رسیدن به نقطه مطلوب و تشکیل کشور مستقل فلسطین بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و روند صلح خاورمیانه حمایت می‌کند و در گام دیگر، خواستار انحلال قانونی دولت آپارتاید نژادی و تشکیل کشوری

واحد، آزاد، مستقل و به دور از تعصبات نژادپرستانه، در سرزمینی است که به لحاظ تاریخی به فلسطینیان
مسلمان، مسیحی و یهودی تعلق دارد و هر اقدام یا تصمیمی را که به تضعیف جبهه واحد پشتیبانی از
فلسطین بیانجامد، غیرواقع بینانه دانسته و محکوم می کند.

نهضت آزادی ایران

۳۰ بهمن ۱۳۹۸